

# تاریخ

مروری بر اتفاقات اجلاسیه چهاردهم خرداد ۱۳۶۸؛

## دعوا بر سر نخواستن منصب و مقام قبول مسئولیت در گرو انجام وظیفه



صادق رخ فرد  
دبیر گروه تاریخ

وقتی روایت جلسه خبرگان ۱۴ خرداد سال ۶۸ را مرور می‌کنیم درمی‌یابیم که چگونه خداوند صلاح و امور کشور را به سمتی هدایت می‌کند که اقتدار و عزت ایران بعد از امام خمینی (ره) محفوظ بماند و در ادامه افزایش یابد. نکته قابل توجه این جلسه نداشتن نگاه و حب به رسیدن جایگاه و گرفتن سمت است. کسی که دغدغه آخرت داشته باشد قطعاً ذره‌ای برای گرفتن

منصب تلاش نمی‌کند، برای آن لابی نمی‌کند، برای آن پولپاشی، هزینه و تبلیغ بی‌چانمی‌کند، برای رسیدن به آن به هر طریقی قدم نمی‌گذارد و تن به هرکاری نمی‌دهد. وعده‌های اغواکننده نمی‌دهد، لیست‌بندی و جناح‌بازی نمی‌کند بلکه حتی از آن فرار و گویی برای نرسیدن به آن به نوعی دعوا هم می‌کند چون می‌داند چه وظیفه خطیری است و چه پاسخگویی عظیمی در پی دارد. فقط زمانی می‌پذیرد که تکلیف شرعی خود را در انجام آن کار و مسئولیت ببیند. با توجه به ایام رحلت امام خمینی و جایگزینی آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان رهبر انقلاب اسلامی در ۱۴ خرداد سال ۶۸ مروری بر بخشی از جلسه خبرگان آن روز داریم.



### حلقه سه نفره پرسرو صدا

شورایی دیدیم بحث‌هایی که مطرح می‌شود خیلی مفید نیست و وقتگیر است. یادداشتی نوشتیم، دادم به هیأت رئیسه که من شنیده‌ام که امام رضوان‌الله تعالی علیه، مطلبی درباره جناب آقای خامنه‌ای فرموده‌اند و آقای رفسنجانی هم مطلع از این جریانات است. خوب است که این را مطرح کنند. یادداشت کتبی دادم، جواب با یادداشت کتبی آمد، نمی‌دانم از هیأت رئیسه چه کسی این را نوشته بود... در هر حال جوابی از طرف هیأت رئیسه برای من آمد که صبر کنید اگر مسأله شورایی رأی نیاورد مطرح بشود...»

مشابه همین کار را آقای قریشی هم انجام داده بود. او هم با ارسال یادداشت مکتوبی برای هیأت رئیسه خبرگان خواسته بود که اشارات امام از زبان راویان معتبر بیان شود.

آقای معصومی نفر سومی است که از تلاش خود برای طرح اشارات امام از تریبون هیأت رئیسه خبرگان خبر می‌دهد:

معصومی شاهرودی: «یک نفر آمد و به من گفت: «داستانی هست، نقل قول موثقی از امام(ره) وجود دارد، چرا آقای رفسنجانی آن را نمی‌خواند؟»



### طرح نام آیت‌الله خامنه‌ای

مشروح مذاکرات اجلاسیه چهاردهم خرداد ۱۳۶۸ نشان می‌دهد که پس از رأی آوردن رهبری فردی، بدون ذکر هیچ گزینه دیگری، رهبری آیت‌الله خامنه‌ای، بلافاصله از سوی جمعی از خبرگان مطرح می‌شود. افزون بر مشروح مذاکرات، فیلم اجلاسیه هم همین اتفاق را تأیید می‌کند:

هاشمی رفسنجانی: «چهل و چهار، چهل و پنج نفر ایستادند. فردی، تصویب شده است. حالا باید روی فرد رأی بگیریم.

یکی از نمایندگان [خلخالی]: پیشنهاد من، پیشنهاد من، آقای خامنه‌ای است.

هاشمی رفسنجانی: خیلی خوب... ما هم پیشنهادمان آقای خامنه‌ای است.»

خاطرات و مشاهدات حاضران در اجلاسیه هم مؤید همین مطلب است. به روایت آقای منهای دشتی، «نظر شورایی دنبال نشد و صحبت‌ها آمد روی فرد. وقتی صحبت‌ها آمد روی فرد دیگر صحبت آیت‌الله خامنه‌ای مطرح شد، صحبت نفر دیگری اصلاً به میان نیامد و ظاهراً به ذهن کسی هم خطور نکرده بود.» به عبارت دیگر، با منتفی شدن رهبری شورا، مثلاً هواداران رهبری آقای گلپایگانی، دوباره مصمم نشدند که نام گزینه مطلوب خود را مطرح کنند و در نتیجه تنها هواداران رهبری آقای خامنه‌ای بودند که مطلوب خود را دنبال کردند. نتیجه‌ای که از این پیش آمد می‌توان گرفت این است که ظاهراً روند مباحث و نطق‌ها، پیش از هر چیز، رهبری مراجع را تضعیف و رهبری فقهای سیاستمدار را تقویت کرده بوده است. در چنین شرایطی، اکثریت خبرگان، شاید حتی پیش از آنکه بخواهند درباره فردی بودن یا شورایی بودن تصمیم بگیرند، به مطلوبیت رهبری فقهای سیاستمدار رسیده بودند و آنچه باقی مانده بود، تعیین مدل رهبری این فقهای سیاستمدار، یعنی فردی یا شورایی بودن آن بود که در اصل قضیه، تفاوتی ایجاد نمی‌کرد. بنابراین، در سیر ذهنی خبرگان، نخست رهبری فقهای سیاستمدار، مقبول افتاده بود و سپس رهبری فرد، آرای اکثریت را به دست آورد. در این روند، به طور طبیعی، مهم‌ترین و محتمل‌ترین گزینه موافق با چنین سیر ذهنی و نتیجه‌گیری، فقط آقای خامنه‌ای بود. در همین هنگام، دو اتفاق قابل توجه در مجلس خبرگان رخ می‌دهد: نخست اینکه آقای امینی پیشنهاد می‌کند که بقیه مذاکرات به بعد از برگزاری نماز مغرب و عشا موکول شود که با مخالفت آقای هاشمی روبه‌رو می‌شود: «نه، الان رأی می‌گیریم تمام بشود.» چنین گزاره‌ای، عزم جدی آقای هاشمی را برای پایان دادن به فرایند انتخاب رهبری در اسرع وقت و تثبیت رهبری آقای خامنه‌ای نشان می‌دهد. این مسأله از آنجا قابل توجه است که تا پیش از این، وی از حامیان رهبری شورایی بود. به نظر ما پیام این تغییر مسیر و اقدام آقای هاشمی این است که اگرچه مدل رهبری شورایی، با توجه به عوامل مختلفی، مدل پذیرفته آقای هاشمی و همفکرانش بود اما با لغو شدن چنین احتمالی، رهبری فردی آقای خامنه‌ای، اولویت مطلوب بعدی آنها بوده است. به عبارت دیگر، در فهرست اولویت‌های هاشمی رفسنجانی، نخست، رهبری شورایی فقهای سیاستمدار قرار داشت و سپس رهبری فردی از این فقها؛ و این اولویت دوم، بر رهبری یکی از مراجع تقلید، ترجیح و برتری داشت.



این تصمیم جمعی عمل کند. به‌این ترتیب، مرحله اول اقدام آقایان شبستری، قریشی و معصومی، با سکوت هیأت رئیسه به نتیجه‌ای نرسید. اما گفت‌وگوی اتفاقی آقای شبستری و قریشی با یکدیگر و مشاهده تشابه نظری که با هم دارند سبب شد که ضمن تقویت رأی یکدیگر، آماده شوند تا در بزنگاه مناسب، خبرگان را برای اطلاع یافتن از اشارات امام تشویق کنند. این فرصت، پس از رأی آوردن

که البته رسیدند. آقای هاشمی، نظر امام درباره آیت‌الله خامنه‌ای را وقتی مطرح کرد که از سوی برخی از نمایندگان، مسأله رهبری ایشان به شکل تلویحی مطرح شده بود و از آقای هاشمی خواستند که در این باره بیشتر توضیح بدهد. «جای از همه اینها، تصمیم جمعی افرادی مانند خود او و آقایان خامنه‌ای، موسوی اردبیلی و دیگران در گعده جماران، تلاش برای تحقق رهبری شورایی بود و در نتیجه هاشمی نمی‌توانست برخلاف

که طرح چنین اشاراتی را نیز مفید به فایده نمی‌دانسته است یا اینکه اساساً، او و دیگر شخصیت‌ها، قصدی برای هزینه کردن از امام، دست‌کم تا پیش از تصمیم خود اعضای خبرگان برای انتخاب رهبری فردی و پیشنهاد آقای خامنه‌ای نداشته‌اند و چنین کاری را به مصلحت نمی‌دانسته‌اند. آقای امینی در این باره تأکید می‌کند که «در آغاز جلسه سعی بر این بود که خبرگان، نخست خودشان و در خلال مباحث، به نتیجه برسند

فراتر از آن بی‌میلی و استنکاف شدید آقای خامنه‌ای از عهده‌دار شدن این مقام، از طرح آن اشارات خودداری کرد و در نتیجه به نظر می‌رسد هرگونه دلیل‌تراشی دیگری برای این کار، منطبق با حقایق تاریخی نباشد. البته ممکن است دلایل ضمنی دیگری هم وجود داشته باشد که آن نارضایتی و بی‌میلی را تقویت می‌کرده است. مثلاً ممکن است که آقای هاشمی، رهبری فردی آقای خامنه‌ای را به قدری غیرممکن و دشوار می‌دانسته

اما علت خودداری هاشمی رفسنجانی از پذیرش درخواست این نمایندگان، تا آن برهه از اجلاسیه چه بود؟ هاشمی در مشروح همین مذاکرات که در ادامه هم خواهیم دید تصریح می‌کند که علت خودداری‌اش، درخواست شخص آقای خامنه‌ای بوده است: «خود آقای خامنه‌ای اصرار داشتند این را مطرح نکنید. ایشان به من فرمودند «مبادا بگویید!» «من هم نمی‌گفتم.» بنابراین، هاشمی به دلیل نارضایتی و



درخواست آیت‌الله خامنه‌ای از هاشمی رفسنجانی